

دنیای گمشده علام

بازسازی یک تمدن گمشده

تألیف

والتر هیتنس

ترجمه

فیروز فیروز نیا

ویراسته

منصوره کاویانی

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

پیش‌گفتار

تا امروز تنها تاریخ قابل استفاده عیلام «تاریخ ایران اولیه» جورج جی کامرون^۱ است که در ۱۹۳۶ در شیکاگو چاپ شده است، ولی این تاریخ محدود به تاریخ سیاسی عیلام است. اکنون این کتاب به کمک رنه لابات^۲ و نویسنده طبع جدید «تاریخ اعصار قدیم کمبریج» تکمیل شده است. با وجود این، این افزوده‌ها دوران بعداز ۱۰۰۰ ق.م. را نمی‌پوشاند و جای نوشه‌ای که تصویر کاملی از قاریخ و تمدن عیلام را با آخرین اطلاعات به دست بدهد، بنحو تأسف‌آوری خالی است.

این کتاب تلاشی است به منظور آنکه برای اولین بار طرح یک قطعه مفقود، عیلام، را در گردونه تاریخ بدست بدهد. من نه تنها حوادث خارجی را ذکر کرده‌ام، بلکه آنچه را امروز از تمدن عیلام می‌فهمیم: زبان و نوشتار، مذهب و قانون، و هنر آنرا، شرح داده‌ام. طبعاً مطالب بسیار زیادی، هم به سبب منابع نامناسب و هم به دلیل مشکل عظیم زبانی آنان نامتنیق می‌ماند.

برای تاریخ‌های مربوط به تاریخ بین‌النهرین بطور کلی از «تاریخ اعصار قدیم کمبریج» استفاده کرده‌ام؛ تاریخ‌های مربوط به عیلام حاصل زحمات خود من است. این تاریخها بر مبنای به اصطلاح «گاهشماری میانه» بنا شده

1. Cameron, George, G.

2. Labat, René

است، اما به نظر می‌رسد شواهد حتیانی^۳ «گاهشماری کوتاه» را مرجع می‌شمارد، که در این صورت تاریخهایی که برای هزاره‌های سوم و دوم ق.م. داده شده باید در هر مورد ۶۲ سال کاهش داده شود. از آر. بورگر^۴ دوست آسورشناسیم در گوتینگن به خاطر راهنماییهای بسیارش در مورد نوشتار میخی مشکرم. در عین حال می‌خواهم از مدیران موزه لوور در پاریس به خاطر اجازه برای چاپ تصاویر مربوط به یادبودهای عیلام تشکر کنم.

والترهیتس

گوتینگن

3. Hittite

4. Borger, R.

سپاسگزاری

تصاویر ۴ و ۳۲-۱۹ به لطف از طرف پروفسور دکتر اندره پارو^۵، موزه دارلور در اختیار گذاشته شده و توسط موریس شازویل^۶ پاریسی تهیه شده است.

تصاویر ۹ و (مناظر هوایی) از «اخبار مصور لندن» مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۷ (صفحات ۷۶ و ۷۷) گرفته شده است. تصویر ۹ کار ورلدوايدسروی^۷ است. تصویر ۱۰ کار ام بهمنی^۸ است.

تصاویر ۱-۳ و ۵-۸ و ۱۱-۱۸ کار نویسنده است.

شکل‌های ۱-۱۷، ۱۹-۲۳، ۲۵-۲۸، ۳۰-۳۱، ۳۳/۳۵ توسط خانم گودرون اولتريخ^۹ گوتینگنی از متون زیر تهیه شده است. شکل‌های ۱۸ و ۲۹ از نویسنده است، شکل‌های ۳۴-۳۲-۲۴، ۴۲ و ۳۹ عیناً از روی منابع اصلی نقل شده است.

-
- 5. Parrot, André
 - 6. Chuzeville, Maurice
 - 7. Worldwide Survey
 - 8. Bahmani, M.
 - 9. Ulbrich, Gudrun

مقدمه

امروز هر فرد تحصیلکرده‌ای درمورد سومر و آکاد اطلاعی دارد، راجع به حتیها و آسوری‌ها، مادها و پارس‌ها مطلبی شنیده است. اما عیلام تقریباً ناشناخته مانده است.

با این وجود، عیلامیان، در میان مردم خاور نزدیک، فرهنگی برجسته و تاریخی داشتند که بیشتر از دوهزار سال را در بر می‌گیرد. عیلام^۱ که امروز در جنوب‌غرب ایران قرار دارد – بسختی تن به پژوهش می‌دهد، همچنانکه پژوهشگر فرانسوی آم. ج. استیو^۲ اخیراً پس از کشف رمز هزاران نقش مهر عیلامی نوشت: «عیلام فقط با اکراه شدیداً به آشکار کردن اسرار خود رضایت می‌دهد». آخرین، اما نه کم اهمیت‌ترین، امر اینکه زبان عیلام، که یکی از ظریف‌ترین زبانهایی است که پژوهشگران شناخته‌اند، بسختی در مقابل کشف شدن رمز مقاومت می‌کند.

این تورات است که تمدن غرب حداقل حفظ نام عیلام را به آن مدیون است. حدود ده دوازده مورد ذکر نام عیلام را در عهد عتیق و حتی یکبار در عهد جدید پیدا می‌کنیم. در کتاب اعمال رسولان (۹:۲) گزارش شده است که

1. Steve, M.J.

2. *Iranica Antiqua* 2, Leiden, 1962, 22.

در میان یهودیانی که در حوادث اورشلیم در عید پنجاھه^۳ حضور داشتند برخی از عیلام آمده بودند. درست است که در «سفر پیدایش» عیلام ظاهر می‌شود، آن‌هم به عنوان «فرزنده سام»، اما فقط یک مفهوم جغرافیایی دارد، زیرا عیلامیانی که در دشتی واقع در مرز بین النهرين زندگی می‌کردند، برای دوره‌ای طولانی تحت حکومت سامی‌ها و حتی تاحدی مستعمره ایشان بودند. درجای دیگری در همین کتاب (سفر پیدایش ۱۴:۱) نام یکی از شاهان عیلام، شاه کدور-لاومر^۴ ذکر می‌شود. این نام معتبر بنظر می‌رسد – به عیلامی کوترا لاجامار^۵ به معنای «(الله) لاجامار نگهبان است» آمده، گرچه تا امروز [این نام] در کتبی‌ها کشف نشده است.

ذکری هم در کتاب دانیال (۱۸:۲) هست که ارزش بررسی دارد. در سال سوم حکومت ولی‌عهد بابل، بلشازار^۶، در ۵۴۳ ق. م. «در شوش، در قصری که در استان شوش است» به دانیال نبی‌الهام دیگری شد، و جبرئیل آن را برای او چنین «میان سواحل اولای»^۷ تعبیر کرد در طول دوهزار و پانصد سال بعداز آن، پایتخت یکروز باعظمت شوش که روی رود اولای قرار داشت، شهرک کوچک شوش روی رود شائور شده است؛ اما مقبره موجود در آن، که بر حسب روایت و سنت قبر دانیال است، برای مسلمین مقدس و به روی مسیحیان بسته است، و مناره عجیب آن هنوز بر شهرک شوش مسلط است.

۳. Pentecost، یا عید خمسین، نام دو عید بزرگ، یکی از یهود و دیگری از نصارا. نام آنها را در مأخذ اسلامی بنتیقسطی و پنتیقسطی ضبط کرده‌اند که از لفظ یونانی پنتیکوستی [= روز پنجاهم] گرفته شده است؛ در بعضی از کتابهای جدید ضبط پنتی کاشت نیز دیده شده است. ۱. به حساب تقویم یهود، چون ۴۹ روز یا هفت‌هفته از عید فطیر (فصح یهود) بگذرد، روز پنجاهم به مناسبت تزول احکام دهگانه عید است و در چنین روزی خرمن برداری در فلسطین به پایان می‌رسد. ۲. در تقویم دینی مسیحیان، عید پنجاھه مصادف با هفتمین یکشنبه بعداز عید فصح می‌باشد. در میان یهودیان ایران بیشتر به نام عید گل یا گلریزان معروف است [م.].

4. Kedor-Laomer

5. Kuter-Lagamar

6. Belshazzar

۷. به کتاب من Zarathustra, Stuttgart, 1961, p. 44. که در شروحی بر بخش دانیال، اطلاع دقیقی از جغرافی شوش به دست می‌دهد، مراجعه کنید.

(تصویر ۱).

قسمت شرقی شوش زیر خاکریزهای قرار گرفته که صدھا متر طول و در قسمتها بی حدود ۴۰ متر ارتفاع دارد. این کوه خاکریز تمامی آن چیزی است که از شهری که روزی شهر مهمی بوده، بر جا مانده است. در جایی که یک روز قلعه معبد شوش قرار داشته، از ۱۸۹۷ میلادی به بعد، بنایی مثل قلعه های جنگی، مرکز ستاد حفاری میسیون فرانسوی (تصویر ۲)، احداث شده است. در آن زمان، ساختن بنایی به این صورت قلعه مانده، موجه بود. منطقه نامن بود و ساکنان آن نسبت به فرنگی ها (اروپایی ها) بهیچوجه مهربان نبودند. در ۱۸۵۰، دبلیو لک لوفتوس^۸ اولین کسی بود که به دلیل روحیه خاص ساکنان، صدمه بدنی دید و مجبور شد در حالی که منطقه مخروبه را مساحی می کرد باعجله فرار کند؛ از ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ مارسل دیولافو^۹ و همسر بسیار قابلش جین^{۱۰}، که هردو فرانسوی بودند، در مقابل سکنه جرأت به خرج دادند و در شوش به حفاری پرداختند. در سال ۱۸۸۹ همکارشان ژاک دومر گان^{۱۱} کار ایشان را تعقیب کرد. از آنجا که حکومت پاریس از شاه ایران حق انحصاری حفاری در شوش را به دست آورده بود، باستانشناسان فرانسوی تقریباً به طور مدام در شوش فعال بوده اند: دومور گان تا ۱۹۱۳، بعد رونالد دو مکوره نم^{۱۲}، و بعد از ۱۹۳۶ رومن گیرشمن^{۱۳}، و از ۱۹۶۹ به بعد ژان پاره^{۱۴}؛ پژوهشگران قسمت اعظم یاد بودها و کتبه هایی را که امروز در مورد تاریخ عیلام داریم به ایشان مدیونند. حفاری های آزمایشی که توسط ج. ای. گوتیه^{۱۵} و جی لامپری^{۱۶} در ۱۹۱۳ میلادی در مدتی بیش از دو ماه در تپه موسیان در فاصله

8. Loftus, W. K.

9. Dieulafoy, Marcel

10. Jane

11. Morgan, Jacques de

12. Macquenem, Ronald de

13. Ghirshman, Roman

14. Perrot, Jean

15. Gautier, J. E.

16. Lampré, G.

۱۵۰ کیلومتری شمال‌غرب شوش انجام شد، هیچ نوع سند نوشته‌ای به دست نداد.

در سال ۱۸۷۶ میلادی یک «گروه باستان‌شناس و کتیبه‌شناس» که توسط وزارت فرهنگ پروس فرستاده شده بود، در دورترین نقطه جنوب عیلام، در آنجایی که امروز «بوشهر» در کناره خلیج فارس قرار دارد، حدود چهارصد کیلومتری شوش مشغول به کار بود؛ فراتس استولتس^{۱۷} عکاس و افسی آندریاس^{۱۸}، پروفسور بعدی مطالعات ایرانی در گوتینگن، در میان ایشان بودند. اینان در نیمه جنوبی جزیره بوشهر، گودالی کشف کردند که صدها لوحة مکتوب مربوط به «دوران کلاسیک» عیلام، یعنی قرن سیزدهم تا دوازدهم قبل از میلاد، را دربرمی گرفت. اما وقتی گروه ناگهان فراخوانده شد، مجبور شد آجرها را رها کند. «و چون پولی برای نگاهداری آنها وجود نداشت (در اینجا من از گئورگ هو زینگ^{۱۹} نقل قول می‌کنیم)، آجرها به عنوان تحفه فروخته شد و در اطراف دنیا پراکنده گشت (در میان مقصد پاره آجرها می‌توان موزه‌های پاریس، لیدن، لاھه و لندن را نام برد). دکتر استولتسه فقط توانست دو نمونه را به برلین برد.» آنگاه در ۱۹۱۳، موریس پزار^{۲۰} در منطقه‌ای که اکنون بنام سبزآباد معروف است، حفاریهایی انجام داد و علاوه بر شش کتیبه‌ای که دو آلمانی از میان بیش از هزار آجری که در گل دفن بود، بدرآورده بودند، فقط دو آجر دیگر به دست آورد.

عیلامیان عادت داشتند برای مشغول کردن خود یک کلمه را بارها و بارها در یک خشت بکنند و آنگاه آنرا بپزند و روی دیوارهای معبد نصب کنند. این عادت در یک منطقه عیلامی، «چغازنبیل»، بحد افراط مورد عمل قرار گرفته است. این شهر که نام آن در لهجه لری به معنای «تپه‌سبدی» است، در فاصله ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شوش، نه چندان دور از ساحل طرف

17. Stolze, Franz

18. Andreas, F. C.

19. Hüsing, Georg

20. Pézard, Maurice

راست رود دز، قرار دارد. شا اوتناش ناپیریشا^{۲۱} در حدود ۱۲۵۰ ق.م. در آنجا یک شهر مقدس (دور اوتناش یا ال اوتناش) را بنا گذاشت که در مرکز آن برج بلند چندپله‌ای (به بابلی زیگورات) قرار داشت.

در ۱۹۳۵ میلادی براون^{۲۲} یک جوینده نفت اهل زلاندنو، در موقع پرواز بر فراز این منطقه از دیدن یک تل خاکی بزرگ که به وسیله دو دیوار احاطه شده است، متعجب شد بود. بین سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۵۱ میلادی پس از حفاریهای اولیه‌ای که قبل از جنگ اول جهانی انجام شده بود، میسیون فرانسوی تحت نظر گیرشمن، آثاری را که پیش از این در زیر خاکریز مدفون بود، بیرون کشیدند.

در میان بیشتر از پنجهزار آجر کتیبه‌داری که به این ترتیب پیدا شد، تقریباً هفتاد درصد آنها محتوی متن یکسانی بود... همدردی کردن با شکایتهای پیراستیو^{۲۳} ساده‌است، چرا که از پا در افتادن نهایی فرد را در تیجه کشف رمز نفرینی که روی هزاران آجر تکرار می‌شود، محظوم می‌داند. اما اکنون که حفاریها پایان گرفته، چغازنبیل به‌وضع متروک اولیه‌اش برگشته است؛ در طول روز شغالها در خرابه‌ها می‌گردند و تنها انسانی که دیده می‌شود یک پلیس ایرانی است؛ حفظ زیگورات وظیفه اوست و طبعاً اگر آجر بعد از آجر صورت مرموزی از دیوارها کنده و ناپدید شود، نمی‌توان اورا مسئول دانست.

در ۱۹۶۲-۳ انتیتو خاورشناسی دانشگاه شیکاگو از طریق پنیهاس دلیگاس^{۲۴} و هلنه ج. اکاتتور^{۲۵} برای اولین بار حفاری در قلمرو عیلام، در «چمامیش» (تپه‌میش سی کیلومتری شرق شوش) را شروع کرد. ایشان فقط امیدوار به یافتن آثار ماقبل تاریخ بودند. همین مطلب در مورد حفاری

21. Untash-napirisha

22. Brown

23. Steve, Père

24. Delougaz, Pinlas

25. Kantor, Helene, J.

آزمایشی انجام شده به وسیله فرانک هول^{۲۶} و کنت وی. فلانری^{۲۷} در ۱۹۶۱ در علی‌کشن، غرب موسیان (که قبلاً به آن اشاره کرده‌ام) هم صادق است. این حفاری‌ها ثابت کرد که این منطقه از هزاره هشتم ق.م. مسکون بوده است.^{۲۸}

جز این تا امروز هیچ نوع حفاری دیگری در عیلام انجام نشده است. مناطق جالب توجه تاریخی فراوان است؛ یک منطقه بویژه نویلدگانه در ۱۹۶۲ به وسیله دکتر اف. جی. ال. گرمیزا^{۲۹}، دکتری از اهالی سواپیا که سالها در آن منطقه زیسته بود، دوباره کشف شد. در یکی از سفرهای اکتشافی اش، در قایقی روی رود دز سوار شد و عاقبت به تل خاک عظیمی رسید، «یک تل» (به عربی) و «تپه» (به فارسی) که در آن می‌شد به یک نوع سکونت اولیه پی‌برد (تصویر ۳). باد و باران چنان شیب تپه را ساییده‌اند که لوحه‌های عیلامی در چندین نقطه از زیر خاک بیرون آمده است. دکتر گرمیزا باشتاد گیرشمن و استیو، دو باستان‌شناس را که در شوش بودند، باخبر کرد. سرنوشت به روی ایشان تبسم کرد، کاوش آفان در خاک با کشف آجرهای کتیبه‌دار شاهنشاهی فاہوتنه^{۳۰} از اوایل قرن دوازدهم ق.م. و باکشف فسیل‌هایی که قدمت‌شان به ۳۰۰۰ سال ق.م. بر می‌گشت، پاداش داده شد. این محل امروز «ده‌نو» نامیده می‌شود، و در چهل کیلومتری جنوب شرقی شوش قرار دارد، نه مثل چغازمیل در ساحل راست دز، بلکه در ساحل متهاجی چپ، و یا دقیق‌تر در کنار شاخه‌ای که لره نامیده می‌شود. این محل دیگر مسکون نیست. وقتی من در چهارم مارس ۱۹۶۳ به این محل رفتم، یک مار سیاه وزرد در آفتاب در میان خرابه‌های ساختمان‌های اسلامی لمیده و جعدی از سوراخی در دیوار به‌من خیره شده بود. پیراستیو با بررسی آجرهای کتیبه‌دار توانسته است ده‌نو را به عنوان

26. Hole, Frank

27. Flannery, Kent, V.

۲۸. از ۱۳۴۶ به بعد آقای نگهبان از دانشگاه تهران در منطقه عیلامی هفت‌تپه، بین اهواز و شوش، مشغول حفاری بوده است.

29. Gremliza, F. G. L.

30. Stutruk-nahhunte